

Determining the Effectiveness of Narrative Therapy on the Quality of Marital Life and Attachment of Disabled Couples Referring to Counseling Centers in Isfahan City, Iran

Khajeh AH¹, *Farhadi H², Aghaei A³

Author Address

1. PhD Student in Counseling, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran;
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran;

3. Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

*Corresponding author's Email: h.farhadi@khuif.ac.ir

Received: 2021 June 21; Accepted: 2021 December 15

Abstract

Background & Objectives: Satisfactory marriage is one of the most important factors in couples' mental health, but if married life does not provide favorable conditions to meet the psychological needs of couples, it will have negative effects. Mental disorders, depression, and suicide are some of the consequences of this problem. To solve these problems and issues, narrative therapy can be used. Narrative therapy helps people to facilitate the separation between the person and the problem by externalizing the problem as a primary process, and by relying on the abilities, beliefs and competencies of the people, it can reduce the influence of the problems and make the problems flexible and solvable. The present study investigated the effectiveness of narrative therapy on the quality of marital life, and the dimensions of attachment of disabled couples referring to counseling centers in Isfahan.

Methods: The present study is a one-case experimental design that was conducted in 2019. The statistical population of the study was all disabled couples referring to psychology and counseling centers and clinics in Isfahan City, Iran. Of them, three couples were selected according to the inclusion and exclusion criteria by accessible and purposeful sampling. After initial sampling, three couples were placed in the group of narrative therapy. The inclusion criteria were as follows: being in marital turmoil based on the interview and also obtaining a score lower than 101 on the Marital Adjustment Scale (MAS), lacking a history of mental disorder based on the clinical interview, having at least a diploma, being at least 20 and at most 50 years old, passing at least 1 year of cohabitation, having this marriage is their first marriage, living together in the same house while conducting research, and not using concomitant psychological therapies. The exclusion criteria include failure to perform the assignments presented in the sessions, unwillingness to cooperate, history of substance abuse or dependence on the substance, use of psychiatric medication prescribed, and absence of more than two sessions. It should be noted to determine the inclusion and exclusion criteria, we used the structured clinical interview, Millon Clinical Multiaxial Inventory-III, and diagnostic interview of clinical psychologist. The subjects were selected from couples who were referred to counseling centers and psychological services in Isfahan and had marital problems. After a diagnostic interview and identifying the couples who meet the inclusion criteria, the couples were placed in the narrative therapy group. For gathering data Marital Quality of Life (Relationships) Questionnaire (MQL) (Fletcher et al., 2000) and the Revised Adult Attachment Scale (RAAS) (Collins & Read, 1990) were used. To perform the treatment methods, the first couple in the group entered the treatment plan, and at the stage of the baseline (for two weeks), all research tools were performed on them. The treatment was then presented for 12 weekly sessions for the narrative therapy group. To control the unwanted and possible interfering variables and according to the principles of multiple baseline designs in the second session of the first couple, the second couple in both groups entered the treatment plan and so on in the third session of the first couple and the second session of the second couple, the treatment plan was started for the third couple in both groups. All questionnaires were completed in sessions 3, 6, and 8 and immediately after completing treatment. For follow-up, subjects were re-evaluated two months after the treatment. The reliable change index (RCI) and recovery percentage were used to analyze the research data and evaluate the effectiveness of narrative therapy.

Results: Based on the results, in the quality of married life variable, the reliable change index (RCI) in the second (2.19) and third (4.04) couples was statistically significant, which showed the effectiveness of the treatment. For the secure attachment style variable, the RCI in the second couple (2.18) was statistically significant and the treatment was effective only in the second couple. For the ambivalent/anxious style variable, considering that the RCI values in the first (0.51), second (0.17), and third (0.17) couples were less than $Z=1.96$, the treatment has not been effective for this variable.

Conclusion: Narrative therapy improves the quality of married life and the secure attachment style of some couples; Therefore, this approach can be used to improve interpersonal and marital issues and reduce the rate of divorce in society.

Keywords: Narrative Therapy, Marital quality of life, Attachment styles, Couples, Isfahan.

تعیین اثربخشی روایت درمانی بر کیفیت زندگی زناشویی و دلبستگی زوجین ناتوان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان

امیرحسام خواجه^۱، *هادی فرهادی^۲، اصغر آقای^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران؛

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران؛

۳. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

*رایانامه نویسنده مسئول: h.farhadi@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۳۱ خرداد ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۴ آذر ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: اگر زندگی زناشویی وضعیت مساعدی را برای ارضای نیازهای روانی زوجها فراهم نکند، اثرات منفی به جا می‌گذارد. اختلال‌های روانی، افسردگی و خودکشی ازجمله پیامدهای این مسئله است. هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی روایت درمانی بر کیفیت زندگی زناشویی و دلبستگی زوجین ناتوان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع طرح تک‌موردی بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوج‌های ناتوان (درحل مسائل زناشویی) مراجعه کننده به مراکز و کلینیک‌های روان‌شناسی شهر اصفهان در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. از میان آن‌ها باتوجه به ملاک‌های ورود و خروج، به صورت دردسترس و هدفمند سه زوج به عنوان نمونه انتخاب شدند و مداخله روایت درمانی را دریافت کردند. برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق، پرسش‌نامه کیفیت زندگی (روابط) زناشویی (فلچر و همکاران، ۲۰۰۰) و مقیاس تجدیدنظرشده دلبستگی بزرگسال (کولینز و رید، ۱۹۹۰) به کار رفت. شرکت کنندگان مداخله روایت درمانی را به صورت هفته‌ای یک جلسه و به مدت دوازده جلسه دریافت کردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و به منظور بررسی اثربخشی روایت درمانی از شاخص تغییر پایا (RCI) و درصد بهبودی استفاده شد.

یافته‌ها: براساس نتایج، در متغیر کیفیت زندگی زناشویی، شاخص تغییر پایا در زوج‌های دوم (۲/۱۹) و سوم (۴/۰۴) از نظر آماری معنادار بود که اثربخشی درمان را نشان داد. برای متغیر سبک دلبستگی ایمن، شاخص تغییر پایا در زوج دوم (۲/۱۸) از نظر آماری معنادار بود و تنها در زوج دوم درمان اثربخشی داشت. برای متغیر سبک دوسوگرا/اضطرابی باتوجه به اینکه شاخص تغییر پایا در زوج‌های اول (۰/۵۱) و دوم (۰/۱۷) و سوم (۰/۱۷) کمتر از $Z=1/96$ به دست آمد، می‌توان نتیجه گرفت که برای این متغیر درمان اثربخش نبود.

نتیجه‌گیری: اجرای روایت درمانی باعث ارتقای کیفیت زندگی زناشویی و سبک دلبستگی ایمن در برخی زوجین می‌شود؛ بنابراین می‌توان از این رویکرد برای بهبود مسائل بین فردی و زناشویی و کاهش میزان طلاق در جامعه استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: روایت درمانی، کیفیت زندگی زناشویی، دلبستگی زوجین، مراکز مشاوره، شهر اصفهان.

ازدواج^۱ و تشکیل خانواده از رویدادهای بسیار مهمی است که در زندگی بسیاری از انسان‌ها و در همه جوامع اتفاق می‌افتد. نتایج بسیاری از پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد، افراد مزدوج در مقایسه با افراد غیرمزدوج، نشاط و شادابی و سلامت روحی و روانی بیشتری را تجربه می‌کنند (۱)؛ از این رو تشکیل خانواده و ازدواج اغلب افراد با این باور شروع می‌شود که همواره زوجین در کنار همدیگر خواهند بود و تنها اتفاقی که در زندگی می‌تواند آن‌ها را از هم جدا کند، مرگ است؛ اما وقتی وارد زندگی مشترک می‌شوند، بسیاری از اتفاق‌ها روی می‌دهد و واقعیت را چیز دیگری می‌بینند و تحت تأثیر برنامه‌ها و عوامل متعدد قرار می‌گیرند که ممکن است برخی از این عوامل آن‌ها را به سوی اختلاف، جدایی و فروپاشی خانواده سوق دهد (۲).

از موضوعات بسیار مهم و اساسی که در سال‌های اخیر مراکز مشاوره و روان‌درمانی به‌طور ویژه به آن توجه داشته‌اند، می‌توان موضوع «تعارضات زناشویی»^۲ را نام برد که بخش درخور توجهی از اختلافات زناشویی را به خود اختصاص داده است (۳، ۴). تعارضات زناشویی تحت تأثیر علل و عوامل زیادی قرار می‌گیرد که ممکن است به مشکلات گوناگون مانند افسردگی زوجین، اعتیاد، رفتارهای اختلاف‌آمیز بین والدین با فرزندان، بدرفتاری با همسر و فرزندان، درگیری لفظی و فیزیکی بین زوجین و در نهایت طلاق منجر شود؛ بنابراین آنچه امروزه برای زوجین در امر مقدس ازدواج اهمیت دارد، برآیند کلی حاصل از ازدواج است که در مفهوم کیفیت زناشویی تبلور می‌یابد و نورتون آن را برازش کلیت رابطه یا برازش گشتالت رابطه تعریف می‌کند. از طرفی کیفیت زناشویی مفهومی چندبُعدی است و شامل موضوعات گوناگون روابط زوجین مانند سازگاری زناشویی، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد می‌شود (۵).

نتایج پژوهش‌ها نشان داد، سطح کیفیت زندگی زناشویی^۳ از عوامل بسیار مهم دوام و بقای زندگی زناشویی است و زوجین نگران و پر استرس در مقایسه با زوجین غیرنگران سطح پایین‌تری از کیفیت در روابط و زندگی زناشویی را تجربه می‌کنند (۶)؛ از این رو کیفیت زندگی زناشویی از موضوعات اساسی بسیار مهم در عصر حاضر است که باید در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی و حتی سیاست‌گذاری‌های خانواده مد نظر قرار گیرد تا به گسترش روابط حسنه و تفاهم در زندگی زناشویی منجر شود (۷). از طرفی تمایل فرد به برقراری نوعی رابطه نزدیک با افرادی معین و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد، دل‌بستگی نامیده می‌شود. سه سبک دل‌بستگی ایمن و اجتنابی و دوسوگرا مشخص شده است. نتایج بسیاری از مطالعات مشخص کرد، توانایی تنظیم هیجان‌ها^۴ و تجربه همدلی، مستلزم داشتن دل‌بستگی ایمن^۵ است (۸). بالبی معتقد است که وابستگی کودک به مادر باعث احساس آرامش در او می‌شود و امنیت روحی و

روانی در بزرگسالی را برای او به دنبال دارد. این موضوع می‌تواند بر شناخت هیجان‌ها در زندگی اجتماعی و خانوادگی تأثیر بگذارد (۹)؛ از این رو هدف بسیاری از زوجین شرکت‌کننده در جلسات مشاوره و روان‌درمانی، کمک به بهبود روابط، افزایش اعتماد به نفس، حل تعارضات زناشویی، تقویت صمیمیت بین والدین و ایجاد روابط حسنه با وجود مشکلات بین فردی است؛ بنابراین بیش از نیمی از افرادی که در جلسات درمانی شرکت می‌کنند، هدفشان این است که مشخص شود آیا امیدی به تداوم زندگی مشترک بین آن‌ها وجود دارد یا خیر (۱۰).

نتایج مطالعات فراوانی بیانگر آن است که بسیاری از زوجین و همسران در جوامع امروزی به دنبال یافتن سطوحی از اعتماد به نفس و رضایت از زندگی زناشویی هستند و برای به دست آوردن آن به مراکز مشاوره و روان‌درمانی مراجعه می‌کنند تا بتوانند اعتماد ازدست‌رفته را بازیابند و به گونه‌ای کیفیت زندگی زناشویی را افزایش دهند (۱۱، ۶). بسیاری از تحلیل‌های زوج درمانی تأکید می‌کنند، رویکردهای زیادی در درمان آشفتگی زوج‌ها وجود دارد و یافته‌ها بیانگر آن است که متوسط افراد دریافت‌کننده زوج درمانی، از ۸۰ درصد افرادی که این خدمات را دریافت نکرده‌اند، بهبودی بیشتری در روابط زناشویی از خود نشان می‌دهند (۱۲، ۹).

توجه به ناتوانی زوجین در حل مشکلات و روابط زناشویی و توجه ویژه به ارتقا و توانمندسازی زوجین ناتوان در حل این مسائل و نقش مهم و مؤثر ارتباط زوجین در خانواده در تربیت فرزندان اهمیت دارد. با در نظر داشتن این مطلب و همچنین باتوجه به جایگاه ویژه خانواده در جامعه و اینکه تاکنون چنین پژوهشی انجام نشده است که این موضوع را به صورت خاص مطالعه کند، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی روایت درمانی بر کیفیت زندگی زناشویی و دل‌بستگی زوجین ناتوان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان انجام شد.

۲ روش بررسی

پژوهش حاضر از نوع طرح تک‌موردی^۶ بود که در سال ۱۳۹۸ انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوج‌های ناتوان (در حل مسائل زناشویی) مراجعه‌کننده به مراکز و کلینیک‌های روان‌شناسی و مشاوره شهر اصفهان در زمستان ۱۳۹۸ تشکیل دادند. از میان آن‌ها باتوجه به ملاک‌های ورود و خروج، سه زوج به صورت دردسترس و هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شدند. پس از نمونه‌گیری اولیه، سه زوج مداخله روایت درمانی را دریافت کردند. ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها به پژوهش عبارت بود از: وجود آشفتگی زناشویی براساس مصاحبه و نیز کسب نمره کمتر از ۱۰۱ از مقیاس سازگاری زناشویی^۷؛ نداشتن سابقه اختلال روانی براساس مصاحبه بالینی؛ داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم؛ داشتن سن حداقل ۲۰ سال و حداکثر ۵۰ سال؛ گذشت حداقل یک سال از زندگی مشترک؛ ازدواج اول بودن آن‌ها و در یک‌خانه و باهم زندگی کردن در زمان اجرای پژوهش؛ استفاده نکردن از درمان‌های

6. Single subject designs

7. Marital Adjustment Scale (MAS)

1. Marriage

2. Marital conflicts

3. Quality of marital life

4. Emotions regulation

5. Secure attachment

روایت‌درمانی، به مدت دوازده جلسه هفتگی برای این زوج ارائه شد. تمامی پرسش‌نامه‌ها در جلسات سوم، ششم، هشتم و بلافاصله پس از اتمام درمان تکمیل شدند. به منظور پیگیری نیز برای افراد دو ماه پس از درمان، ارزیابی دوباره صورت گرفت.

به منظور جمع‌آوری داده‌ها ابزارها و جلسات درمانی زیر به کار رفت. پرسش‌نامه کیفیت زندگی (روابط) زناشویی^۲: این پرسش‌نامه توسط فلچر و همکاران در سال ۲۰۰۰ ساخته شد (۱۳). این پرسش‌نامه دارای هیجده سؤال است. هر سه سؤال آن یک بُعد را می‌سنجد و در مجموع شش بُعد دارد که عبارت است از: رضایت؛ تعهد؛ صمیمیت؛ اعتماد؛ شور و هیجان جنسی؛ کیفیت عشق. نمره‌گذاری تمام سؤالات پرسش‌نامه در طیف هفت‌درجه‌ای (۱=اصلاً تا ۷=کاملاً) به صورت مستقیم است (۱۳). فلچر و همکاران آلفای کرونباخ را برای هر خرده‌مقیاس به ترتیب ذکر شده ۰/۹۱، ۰/۹۶، ۰/۸۶، ۰/۷۸، ۰/۸۶ و ۰/۸۹ و آلفای کل برای پرسش‌نامه را ۰/۸۵ گزارش کردند (۱۳). در ایران نیز این پرسش‌نامه توسط دولت‌شاهی و همکاران ترجمه شد و چند نفر از متخصصان روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه اصفهان روایی محتوایی آن را تأیید کردند (۱۴). نیلفروشان و همکاران آلفای کرونباخ کل را ۰/۹۵ به دست آورد و ضریب آلفای کرونباخ آن به تفکیک جنسیت در زنان ۰/۹۵ و در مردان ۰/۹۴ بود. همچنین ضریب قابلیت اعتماد به روش بازآزمایی برای کل مقیاس ۰/۹۵ و به تفکیک جنسیت، در زنان ۰/۹۶ و در مردان ۰/۹۱ گزارش شد (۱۵).

روان‌شناختی هم‌زمان. معیارهای خروج آزمودنی‌ها از پژوهش، انجام‌ندادن تکالیف ارائه‌شده در جلسات، تمایل‌نداشتن به همکاری، داشتن سابقه سوء‌مصرف یا وابستگی به مواد، استفاده از داروی تجویز شده روان‌پزشک و غیبت بیش از دو جلسه بود. لازم به ذکر است برای تعیین ملاک‌های ورود و خروج، از مصاحبه بالینی ساختاریافته، آزمون بالینی چندمحوری میلون-۱۳ و مصاحبه تشخیصی روان‌شناس بالینی استفاده شد.

ملاحظات اخلاقی پژوهش به شرح زیر بود: در ابتدای تحقیق با توضیح صادقانه اهداف طرح به کسب رضایت آگاهانه از افراد برای شرکت در پژوهش پرداخته شد؛ در اجرای پژوهش، سعی بر آن بود که با برقراری ارتباط مؤثر با آزمودنی‌ها، آن‌ها از لحاظ مشکلات احتمالی (اضطراب ناشی از پاسخ‌دادن به آزمون‌ها، کاهش عزت‌نفس یا اعتماد به نفس، نگرانی آزمودنی‌ها در رابطه با تأثیر نتایج بر سرنوشت آن‌ها و...) حمایت شوند؛ رازداری و محرمانه‌ماندن اطلاعات از جانب مجری و نیز از جانب همکاران پژوهشگر کاملاً حفظ شد؛ در صورتی که فردی، شخصاً تمایل‌نداشتن خود را برای شرکت در تحقیق نشان دهد، برطبق اصول رعایت حقوق انسانی نباید وی به اجبار وارد پژوهش شود و به ادامه شرکت در جریان مطالعه وادار شود؛ در هیچ‌یک از مراحل پژوهش، هزینه‌ای به فرد شرکت‌کننده تحمیل نشد.

بعد از مصاحبه تشخیصی و مشخص کردن زوجین دارای ملاک‌های ورود، زوجین در گروه روایت‌درمانی قرار گرفتند. برای اجرای روش درمانی، ابتدا زوج اول وارد طرح درمان شدند و در مرحله خط پایه (به مدت دو هفته) تمام ابزارهای پژوهش روی آن‌ها اجرا شد. سپس

جدول ۱. محتوای جلسات روایت‌درمانی

جلسات	محتوا
اول و دوم	آشنایی با مراجع، گوش‌دادن به صحبت‌های مراجع و بررسی عمیق و همه‌جانبه مشکل، انعکاس احساسات و محتوای صحبت مراجع، برتری گوش‌دادن قبل از پرسشگری، ارائه تکلیف در راستای بسط مشکلات خود و ناگفته‌هایی که باید گفته شود، اجرای پیش‌آزمون
سوم تا چهارم	نام‌گذاری روایت مراجع، بررسی استعاره‌های وی و اینکه خود را در داستانش شبیه چه می‌داند، عینی‌شدن مشکلات مراجع، بیرونی‌سازی شدن مشکلات مراجع، بررسی گفتمان‌های بیرونی و تأثیرگذار از کودکی مراجع، بررسی تأثیر مشکل بر فرد، آگاهی‌یافتن مراجع از اینکه مشکل، مشکل است نه مراجع، ارائه تکلیف در راستای حرف‌های ناگفته درخصوص تأثیر مشکل بر فرد، تکلیف نوشتن نامه به اشخاص تأثیرگذار در زندگی فرد
پنجم و ششم	برجسته‌کردن نقاط قوت مراجع، بررسی تأثیر فرد بر مشکل، آگاه‌شدن مراجع از توانمندی و تأثیرگذاری خویش و بسیج نیروهای خود در این راستا، تکلیف نوشتن نامه در راستای زمان‌های تأثیرگذار بودن وی
هفتم و هشتم	ایجاد پلاتی جدید با توجه به اینکه مراجع توانایی‌های خود را شناخته است، نام‌گذاری مجدد روایت مراجع، بررسی استعاره مراجع در پلات جدید با توجه به تغییر روایت مراجع و حتی نام آن، ارائه تکلیف به صورت نوشتن نامه به مشکل (اگر دوباره روایت گذشته برگردد، چه کار می‌کنی)
نهم و دهم	بسط‌دادن پلات جدید با استفاده از توانمندی‌های مراجع، تکلیف نوشتن نامه با چشم‌اندازی به آینده، درحالی‌که در پلات جدید قرار دارد تصور کند و چشم‌انداز خود را از آینده‌اش بنویسد.
یازدهم و دوازدهم	استفاده از نزدیکان و دوستان مراجع به عنوان شاهدان تغییر در او، تکلیف نوشتن نامه به روایت جدید (اسم روایت جدید را می‌گوید: این کارها را کردی... بازم بیا...)، اجرای پس‌آزمون

مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی در قبال چهره‌های دلبستگی نزدیک است که هیجده ماده دارد

– مقیاس تجدیدنظرشده دلبستگی بزرگسال^۳: این مقیاس توسط کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ ارائه شد (۱۶). این مقیاس درباره خودارزیابی

3. Revised Adult Attachment Scale (RAAS)

1. Million Clinical Mutiaxial Inventory-III (MCMI-III)

2. Marital Quality of Life (Relationships) Questionnaire (MQL)

موقعیت و دیدگاه درباره مشکل دعوت می‌شود. استفاده از مستندات درمانی (نامه، خاطره) صورت می‌گیرد و نیز به یادآوری اشخاص تأثیرگذار زندگی‌اش در گذشته کمک می‌شود. بازگویی مجدد داستان و غنی‌سازی آن انجام می‌گیرد (۱۸). در جدول ۱ محتوای جلسات روایت درمانی بیان شده است.

۳ یافته‌ها

در این مرحله با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی، تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفت. برای تعیین اثربخشی روایت درمانی بر کیفیت زندگی زناشویی و دلبستگی زوجین ناتوان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان، از فرمول شاخص تغییر پایا^۲ در تحلیل‌ها استفاده شد که به روش زیر به دست می‌آید.

$$RCI = \frac{X_{post} - X_{pre}}{\sqrt{2SE^2}}$$

شاخص تغییر پایا =
نمره پیش آزمون - نمره پس آزمون
خطای استاندارد تفاوت

در رابطه با میزان بهبودی، فرمول زیر برای تعیین درصد بهبودی به کار رفت.

$$MPI = \frac{[(Baseline\ Mean - Treatment\ Phase\ Mean) / Treatment\ phase\ Mean] \times 100}{[MPI = (میانگین خط پایه - میانگین مداخله) / میانگین مداخله]}$$

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زوج‌های شرکت‌کننده در پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زوج‌های شرکت‌کننده در پژوهش

مراجع	جنسیت	سن	تحصیلات	مدت ازدواج	تعداد فرزندان
زوج اول	مرد	۳۱	کارشناسی	۸	۱
	زن	۳۳	کارشناسی		
زوج دوم	مرد	۳۲	دیپلم	۶	۰
	زن	۳۱	کارشناسی		
زوج سوم	مرد	۳۱	کارشناسی	۲	۰
	زن	۲۵	کارشناسی ارشد		

جدول ۳. ویژگی‌های زوج‌های شرکت‌کننده (به تفکیک زن و مرد) در متغیر کیفیت زندگی زناشویی

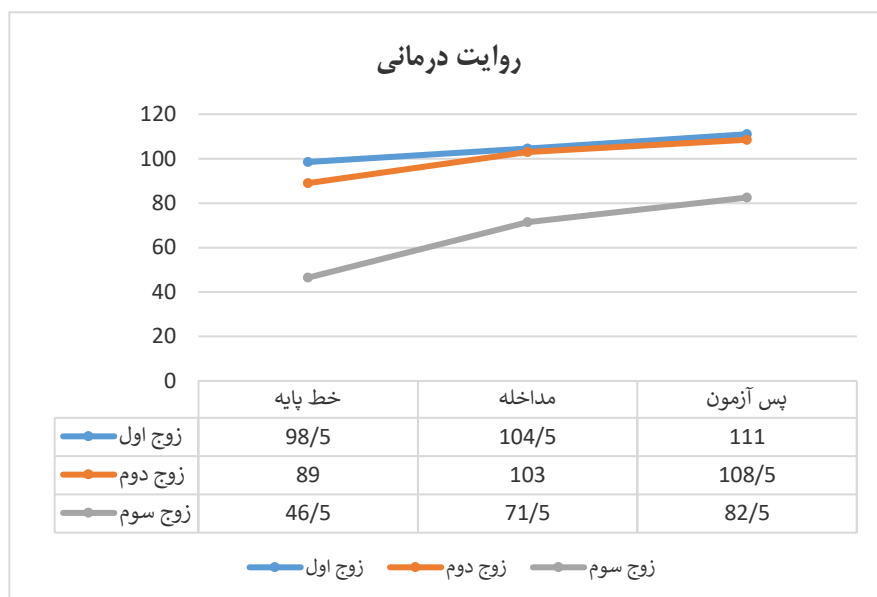
مراجع		کیفیت زندگی زناشویی			شاخص تغییر پایا (RCI)	بهبودی پس از درمان	بهبودی کلی
		خط پایه	مداخله	پس آزمون			
زوج اول	مرد	۱۰۲	۱۰۸	۱۱۰	۰/۸۹	۰/۰۸	۰/۳۹
	زن	۹۵	۱۰۱	۱۱۲	۱/۹۱	۰/۱۷	
زوج دوم	مرد	۱۱۴	۱۲۰	۱۲۰	۰/۶۷	۰/۰۵	۰/۳۹
	زن	۶۴	۸۶	۹۷	۳/۷۰	۰/۵۱	
زوج سوم	مرد	۴۱	۵۰	۷۲	۳/۴۸	۰/۷۵	۰/۳۹
	زن	۵۲	۹۳	۹۳	۴/۶۰	۰/۷۸	

^۱. Hazan & Shivar's Adult Attachment Questionnaire

^۲. Reliable change index

جدول ۴. ویژگی‌های زوج‌های شرکت‌کننده در متغیر کیفیت زندگی زناشویی

مُراجع	کیفیت زندگی زناشویی			شاخص تغییر پایا (RCI)	بهبودی پس از درمان	بهبودی کلی
	خط پایه	مداخله	پس‌آزمون			
زوج اول	۹۸/۵	۱۰۴/۵	۱۱۱	۱/۴۰	۰/۱۳	۰/۳۹
زوج دوم	۸۹	۱۰۳	۱۰۸/۵	۲/۱۹	۰/۲۸	
زوج سوم	۴۶/۵	۷۱/۵	۸۵/۵	۴/۰۴	۰/۷۶	



نمودار ۱. روند تغییر نمرات کیفیت زندگی زناشویی بیماران در طی مراحل خط پایه و درمان و پیگیری

نتایج جدول‌های ۳ و ۴ و نمودار ۱ مشخص می‌کند، در زوج‌های دریافت‌کننده مداخله روایت درمانی، شاخص تغییر پایا (RCI) برای متغیر کیفیت زندگی زناشویی در زوج‌های اول و دوم و سوم به ترتیب ۱/۴ و ۲/۱۹ و ۴/۰۴ بود. با توجه به اینکه نمرات شاخص تغییر پایا در دو زوج دوم و سوم بیشتر از $Z=1/96$ بود، می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات این دو زوج از نظر آماری معنادار بود که اثربخشی درمان را نشان می‌دهد؛ همچنین درصد بهبودی برای زوج‌های اول و دوم و سوم به ترتیب ۱۳ درصد و ۲۸ درصد و ۷۶ درصد و بهبودی کلی روایت درمانی ۳۹ درصد بود.

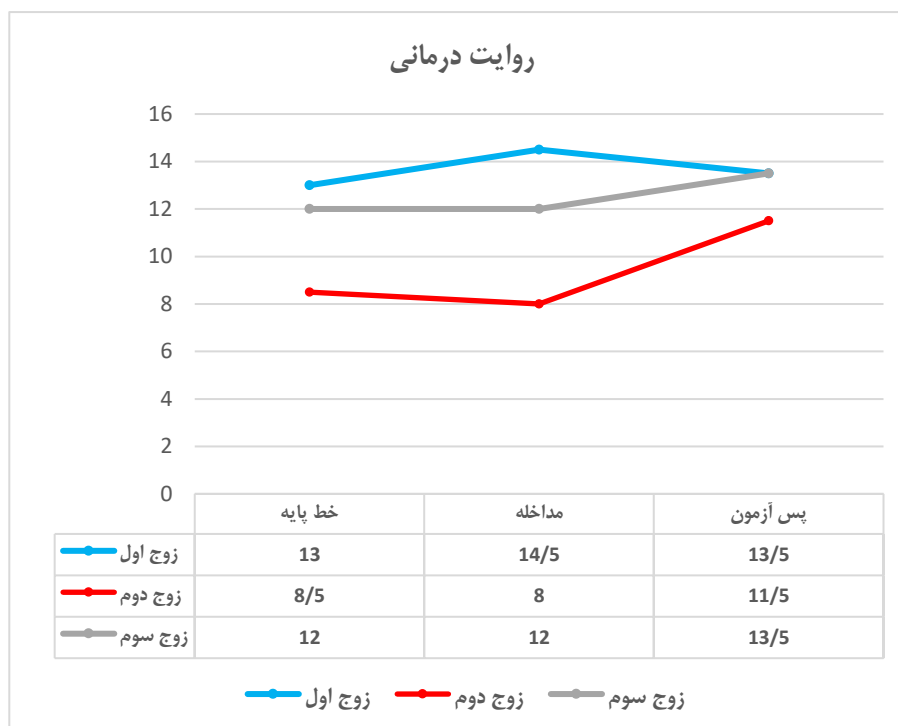
نتایج جدول‌های ۳ و ۴ و نمودار ۱ مشخص می‌کند، در زوج‌های دریافت‌کننده مداخله روایت درمانی، شاخص تغییر پایا (RCI) برای متغیر کیفیت زندگی زناشویی در زوج‌های اول و دوم و سوم به ترتیب ۱/۴ و ۲/۱۹ و ۴/۰۴ بود. با توجه به اینکه نمرات شاخص تغییر پایا در دو زوج دوم و سوم بیشتر از $Z=1/96$ بود، می‌توان نتیجه گرفت که

جدول ۵. ویژگی‌های توصیفی زوج‌های شرکت‌کننده (به تفکیک زن و مرد) در متغیر دلبستگی ایمن

مُراجع	سبک دلبستگی			شاخص تغییر پایا (RCI)	بهبودی پس از درمان	بهبودی کلی
	خط پایه	مداخله	پس‌آزمون			
زوج اول	مرد	۱۴	۱۷	۱۶	۰/۱۴	۰/۲۰
	زن	۱۲	۱۲	۱۱	-۰/۰۹	
زوج دوم	مرد	۱۱	۱۱	۱۲	۰/۰۹	۰/۲۰
	زن	۶	۵	۱۱	۰/۸۳	
زوج سوم	مرد	۱۲	۱۲	۱۳	۰/۰۸	۰/۲۰
	زن	۱۲	۱۲	۱۴	۰/۱۷	

جدول ۶. ویژگی‌های توصیفی زوج‌های شرکت‌کننده در متغیر دلبستگی ایمن

مُراجع	سبک دلبستگی			شاخص تغییر پایا (RCI)	بهبودی پس از درمان	بهبودی کلی
	خط پایه	مداخله	پس‌آزمون			
زوج اول	۱۳	۱۴/۵	۱۳/۵	۰/۳۶	۰/۰۲۵	۰/۲۰
زوج دوم	۸/۵	۸	۱۳/۵	۲/۱۸	۰/۴۶	
زوج سوم	۱۲	۱۲	۱۳/۵	۱/۰۹	۰/۱۲۵	



نمودار ۲. روند تغییر نمرات متغیر دلبستگی ایمن بیماران در طی مراحل خط پایه و درمان و پیگیری

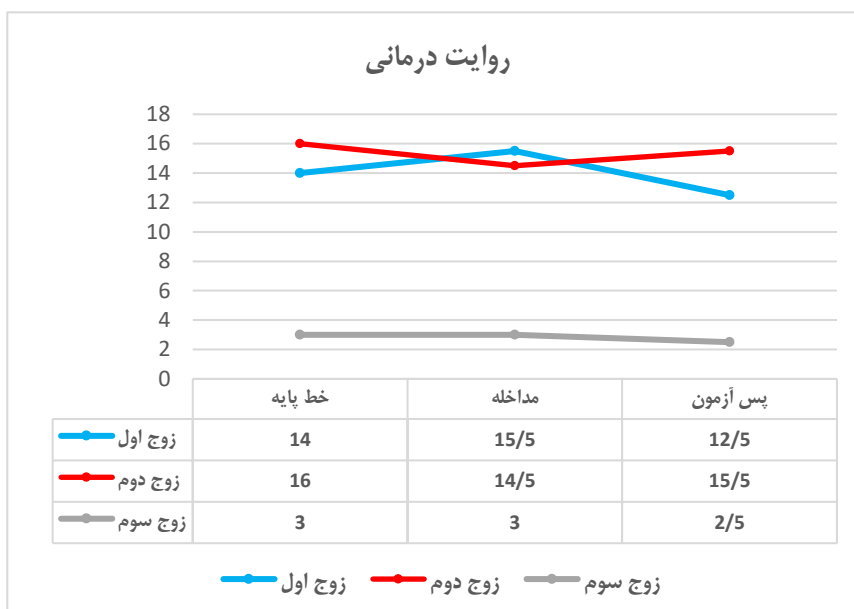
نتایج جدول‌های ۵ و ۶ و نمودار ۲ مشخص می‌کند، در زوج‌های دریافت‌کننده روایت درمانی، شاخص تغییر پایا (RCI) برای متغیر دلبستگی ایمن در زوج‌های اول و دوم و سوم به ترتیب ۰/۳۶ و ۲/۱۸ و ۱/۰۹ بود. باتوجه به اینکه نمرات شاخص تغییر پایا در زوج دوم بیشتر از $Z=1/96$ بود، می‌توان نتیجه گرفت، تغییرات این زوج از نظر آماری معنادار بود؛ بنابراین تنها در زوج دوم درمان اثربخشی داشت؛ همچنین درصد بهبودی برای زوج‌های اول و دوم و سوم به ترتیب ۲/۵ درصد و ۴۶ درصد و ۱۲/۵ درصد و بهبودی کلی روایت درمانی ۲۰ درصد بود و علامت منفی (-) تغییر کاهشی نمرات را نشان می‌دهد.

جدول ۷. ویژگی‌های توصیفی زوج‌های شرکت‌کننده (به تفکیک زن و مرد) در متغیر سبک دوسوگرا/اضطرابی

مُراجع	سبک دلبستگی	خط پایه	مداخله	پس آزمون	شاخص تغییر پایا (RCI)	بهبودی پس از درمان	بهبودی کلی
زوج اول	مرد	۱۹	۱۸	۱۷	۰/۶۸	۰/۱۱	۰/۱۵
	زن	۹	۱۳	۸	۰/۳۴	۰/۱۲	
زوج دوم	مرد	۱۳	۱۰	۱۰	۱/۰۳	۰/۳	۰/۱۵
	زن	۱۹	۱۹	۲۱	-۰/۶۸	-۰/۱	
زوج سوم	مرد	۳	۴	۲	۰/۳۴	۰/۵	۰/۱۵
	زن	۳	۲	۳	۰	۰	

جدول ۸. ویژگی‌های توصیفی زوج‌های شرکت‌کننده در متغیر دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی

مُراجع	سبک دلبستگی	خط پایه	مداخله	پس آزمون	شاخص تغییر پایا (RCI)	بهبودی پس از درمان	بهبودی کلی
زوج اول		۱۴	۱۵/۵	۱۲/۵	۰/۵۱	۰/۱۱	۰/۱۵
زوج دوم		۱۶	۱۴/۵	۱۵/۵	۰/۱۷	۰/۱	
زوج سوم		۳	۳	۲/۵	۰/۱۷	۰/۲۵	



نمودار ۳. روند تغییر نمرات متغیر دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی بیماران در طی مراحل خط پایه و درمان و پیگیری

بهبود سبک دلبستگی ایمن باشد. همچنین در تبیین نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت، حضور در جلسات روایت‌درمانی به افراد کمک می‌کند تا با تغییر روایات غالب منفی، مشکلات را حل‌شدنی تعریف کنند و از طریق طرح پرسش، بیرونی‌سازی، نام‌گذاری مجدد، نتایج منحصربه‌فرد و درنهایت بازنویسی و تغییر داستان زندگی، به توانایی‌های خود در حل مسائل زناشویی امیدوار شوند و دیگر لزومی برای تفکر راجع به جدایی نبینند. روایت‌درمانی به افراد می‌آموزد، باتوجه به اینکه مسئول خلق و تعبیر داستان‌های زندگی‌شان هستند، باید مسئولیت رفتارهای خود را بپذیرند. نوشتن داستان‌هایشان، زوجین را برای انتخاب، حفظ یا تغییر معانی داستان‌های زندگی زناشویی آن‌ها آماده می‌کند (۱۹). آن‌ها می‌توانند داستانی جدید طراحی کنند که کلمه طلاق از آن حذف شده باشد.

برون‌سازی مشکل به‌عنوان فرایندی اولیه در روایت‌درمانی، به تسهیل جدایی بین فرد و مشکل می‌پردازد و با تکیه بر توانایی‌ها و باورها و شایستگی‌های افراد می‌تواند نفوذ مشکلات را کاهش دهد و مسائل را منقطع و حل‌شدنی تعریف کند (۲۰). مبنای اصلی روایت‌درمانی برپایه کلمات است که به درک منجر می‌شوند؛ اما به‌تنهایی کافی نیستند. افراد به کلماتی که در داستان خود می‌گویند، فکر می‌کنند و از این طریق می‌توانند منظورشان را بهتر بیان کنند. زمانی که فرد با کلمات جدیدی صحبت می‌کند، دنیای تازه‌ای را برای خود می‌سازد (۲۱).

چهارچوب‌دهی مجدد که با تغییر بافت و زمینه یک وضعیت، به تغییر برداشت و دیدگاه مراجع کمک می‌کند، توانست با تغییر معانی و ارزش وقایع زندگی زناشویی و مسائل پیش‌رو، بدون تغییر واقعیات میزان تمایل به طلاق را کاهش دهد. رابطه‌درمانی با کمک شفافیت در رابطه، تسهیل شد و در ایجاد احساس امنیت مراجع برای بیان داستان‌هایشان کمک‌کننده بود. روایت‌درمانی با درگیرکردن افراد در گفت‌وگوهای درمانی، کمک می‌کند بر مشکلاتشان غلبه کنند (۲۲). داستان‌هایی که

نتایج جدول‌های ۷ و ۸ و نمودار ۳ مشخص می‌کند، در زوج‌های دریافت‌کننده مداخله روایت‌درمانی، شاخص تغییر پایا (RCI) برای متغیر سبک دوسوگرا/اضطرابی در زوج‌های اول و دوم و سوم به‌ترتیب ۰/۵۱ و ۰/۱۷ و ۰/۱۷ بود. باتوجه به اینکه نمرات شاخص تغییر پایا در هر سه زوج کمتر از $Z=1/96$ بود، می‌توان نتیجه گرفت، تغییرات این سه زوج از نظر آماری معنادار نبود؛ همچنین درصد بهبودی برای زوج‌های اول و دوم و سوم به‌ترتیب ۱۱ درصد و ۱۰ درصد و ۲۵ درصد و بهبودی کلی روایت‌درمانی ۱۵ درصد بود.

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی روایت‌درمانی بر کیفیت زندگی زناشویی و دلبستگی زوجین ناتوان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بود. نتایج مشخص کرد، در متغیر کیفیت زندگی زناشویی، شاخص تغییر پایا در دو زوج دوم و سوم از نظر آماری معنادار بود که اثربخشی درمان را نشان داد. برای متغیر سبک دلبستگی ایمن، شاخص تغییر پایا در زوج دوم از نظر آماری معنادار بود و تنها در زوج دوم درمان اثربخشی داشت. برای متغیر سبک دوسوگرا/اضطرابی نیز شاخص تغییر پایا در هر سه زوج از نظر آماری معنادار نبود و برای این متغیر درمان اثربخش نبود. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش اسکریت در کمک به زوجین به‌منظور بهبود و رشد یکدیگر (۱۹) و تحقیق رومانز و اسکویتز در اثربخشی روایت‌درمانی برای زوجین مبتلا به اختلال افسردگی (۲۰) همسوست.

در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت، تجربیات عاطفی جدید می‌تواند عامل پیوندهای عاطفی جدید و همچنین اصلاح شیوه نگرش عاطفی زوجین به یکدیگر باشد. ایجاد روابط رضایت‌بخش و دلخواه عاملی مؤثر برای بهبود سبک دلبستگی افراد است؛ همچنین شرکت افراد در جلسات درمان به‌صورت زوجی، خود فعالیتی آگاهی‌دهنده و لذت‌بخش زوجی محسوب می‌شود و چه‌بسا در زمره عوامل اثربخش در مداخله درجهت

زوجین درباره روابط خود بیان می‌دارند، نشان‌دهنده تلاش آن‌ها برای معنابخشی روایتی به تجربیاتشان از صمیمیت با زوج دیگر است (۲۳). بیان داستان زندگی و جایگزین‌سازی داستان‌های مثبت به ایجاد روابط نزدیک که در آن میزان ابراز احساس بیشتر است، کمک می‌کند. زمانی که بیان روایات زندگی به عنوان روشی در جهت درک بهتر احساسات طرفین استفاده می‌شود، توان فرد برای رشد روابط صمیمانه افزایش می‌یابد (۲۲).

در این پژوهش برخی از آزمودنی‌ها که در ابراز احساسات دارای مشکلات شدیدی بودند، پس از نام‌گذاری مجدد مشکل و یادگیری ابراز وجود و به‌کارگیری آن در مناسبات اجتماعی‌شان، به این امر اذعان داشتند که به دلیل بازخوردهای مثبتی که از اطرافیان می‌گیرند، اعتماد به نفس، خودباوری و استقلال بیشتری را در خود حس می‌کنند. روایت درمانی فرصتی را برای زوجین فراهم می‌آورد تا در روشی که برای زندگی آینده مدنظر قرار دادند و نیز نقش‌هایی که برای خود و دیگران در مسیر زندگی تعیین کردند، تجدیدنظر کنند (۲۱). روایت درمانی می‌تواند منجر به افزایش انعطاف‌پذیری در آینده شود. مهارت نوشتن در تسهیل ساخت داستان، توانایی ایجاد داستان‌های معنادار از حوادث زندگی، توسعه روایت در حال ظهور و تسهیل تغییر در نوجوانان اثرات بسزایی دارد (۲۳). با گفتن و بازگویی طی آیین معارفه در جلسات، افراد به ظرفیت‌ها و مهارت‌های خود پی بردند. این کشف نه تنها تصور و دیدگاه فرد را درباره خود شکل می‌دهد، بلکه دیگران نیز می‌آموزند که فرد تمایل دارد چگونه درباره وی فکر کنند و ذهنیت اطرافیان را درباره خود شکل می‌دهد. همچنین به زوجین کمک کرد تا بر مشکلات مسلط شوند و موضعی متفاوت در برابر مسائل اتخاذ کنند و به زندگی که خواهان آن بودند، دست یابند؛ به علاوه این آیین در زوجینی که تأیید دیگران برایشان اهمیت زیادی دارد، مفید واقع شد.

باتوجه به محدودیت‌هایی از جمله دسترسی نداشتن به کل جامعه زنان و مردان و انتخاب نمونه از بین افراد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره، همچنین کم بودن حجم نمونه و وجود نداشتن مرحله پیگیری، در تعمیم نتایج پژوهش حاضر باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

۵ نتیجه‌گیری

باتوجه به نتایج پژوهش، فرایند درمان روایتی و فنون به‌کاررفته در آن باعث افزایش کیفیت زندگی زناشویی و نیز ارتقای سبک دلبستگی ایمن در برخی زوجین ناتوان (در حل مشکلات زناشویی) مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان می‌شود؛ بنابراین می‌توان از این رویکرد درمانی برای بهبود مسائل بین‌فردی و زناشویی و کاهش میزان طلاق در جامعه استفاده کرد.

۶ تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش و اساتید و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان،

صمیمانه قدردانی کنند.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر با کد اخلاق IR.IAU.KHUISF.REC.1398.193 در دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان) تأیید شده است. روشن است که در هر پژوهش باید مصالح مربوط به افراد شرکت‌کننده، به عنوان یک اصل تخلف‌ناپذیر حقوق انسانی رعایت شود. مسئولیت رعایت این مصالح، صرفاً بر عهده پژوهشگر و مؤسسه‌ای است که آن پژوهش با نظارت یا با خواست آن مؤسسه صورت می‌گیرد. حقوق شرکت‌کنندگان در هر موردی که در رابطه با پژوهش ممکن است باید کاملاً تضمین شود. به منظور رعایت مسائل اخلاقی و رعایت حقوق انسانی شرکت‌کنندگان در این پژوهش اقدامات زیر صورت پذیرفت: کسب کد اخلاق از کمیته اخلاق؛ اخذ معرفی‌نامه برای حضور در محیط پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)؛ اخذ اجازه از ریاست مراکز بهزیستی، مشاوره، فرهنگ‌سراها و مسئولان بخش‌ها، برای حضور پژوهشگر و انجام اقدامات لازم؛ معرفی خود به مشارکت‌کنندگان و توضیح مختصر درباره هدف مطالعه، نحوه همکاری، فواید و معایب شرکت در مطالعه و هدف از تکمیل پرسش‌نامه؛ کسب رضایت‌نامه کتبی آگاهانه از شرکت‌کنندگان برای شرکت در مطالعه؛ کسب اجازه از شرکت‌کنندگان برای تکمیل پرسش‌نامه؛ اطمینان‌دادن به مشارکت‌کنندگان درباره حفظ حریم خصوصی و خلوت و محرمانه‌ماندن اطلاعات؛ اطمینان‌دادن به مشارکت‌کنندگان برای خودداری از شرکت در مطالعه در هر زمان در صورت تمایل آنان و حتی آزاد بودن برای خروج از پژوهش در هر مرحله از پژوهش؛ اطمینان‌دادن به مشارکت‌کنندگان در زمینه نگهداری اطلاعات حاصل از پژوهش در مکانی امن و مطمئن و دور از دسترس سایرین، طی همه مراحل قانونی و کسب مجوزهای لازم برای هر مرحله از تحقیق.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

حامی مالی

بر اساس اظهارات نویسندگان، این مقاله هیچ‌گونه پشتیبانی مالی نداشته است.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت داشتند.

References

1. McNelis M, Segrin C. Insecure attachment predicts history of divorce, marriage, and current relationship status. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2019;60:404–17. <https://doi.org/10.1080/10502556.2018.1558856>
2. Nooripour R, Abdi MR, Bakhshani S, Alikhani M, Hosseinian S, Ebrahim TP. Exploring validity and reliability of internet infidelity questionnaire among internet users in Iran. *Int J High Risk Behav Addict*. 2017;6(1); e34928. <https://dx.doi.org/10.5812/ijhrba.34928>
3. Christensen A, Doss BD. Integrative behavioral couple therapy. *Curr Opin Psychol*. 2017;13:111–4. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.04.022>
4. Zhang H, Spinrad TL, Eisenberg N, Luo Y, Wang Z. Young adults' internet addiction: prediction by the interaction of parental marital conflict and respiratory sinus arrhythmia. *Int J Psychophysiol*. 2017;120:148–56. <https://doi.org/10.1016/j.ijpsycho.2017.08.002>
5. Norton R. Measuring marital quality: a critical look at the dependent variable. *Journal of Marriage and the Family*. 1983;45:141–51. <https://doi.org/10.2307/351302>
6. Bookwala J. Marital quality as a moderator of the effects of poor vision on quality of life among older adults. *J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci*. 2011;66(5):605–16. <https://doi.org/10.1093/geronb/gbr091>
7. Gera M, Kaur J. Study of resilience and parenting styles of adolescents. *International Journal of Multidisciplinary Approach and Studies*. 2015;2(1):168–77.
8. Johnson SM, Whiffent VE. Farayandhayeh delbastegi dar zojdarmani va khanevade darmani [Attachment processes in couple and family therapy]. Bahrami F. (translator). 1st ed. Tehran: Danjeh; 2009. [Persian]
9. Bowlby J. Attachment and loss: Retrospect and prospect. *Am J Orthopsychiatry*. 1982;52(4):664–78. <https://doi.org/10.1111/j.1939-0025.1982.tb01456.x>
10. Owen J, Duncan B, Anker M, Sparks J. Initial relationship goal and couple therapy outcomes at post and six-month follow-up. *J Fam Psychol*. 2012;26(2):179–86. <https://doi.org/10.1037/a0026998>
11. Atkins DC, Eldridge KA, Baucom DH, Christensen A. Infidelity and behavioral couple therapy: optimism in the face of betrayal. *J Consult Clin Psychol*. 2005;73(1):144–50. <https://doi.org/10.1037/0022-006x.73.1.144>
12. Rathgeber M, Bürkner PC, Schiller EM, Holling H. The efficacy of emotionally focused couples therapy and behavioral couples therapy: a meta-analysis. *J Marital Fam Ther*. 2019;45(3):447–63. <https://doi.org/10.1111/jmft.12336>
13. Fletcher GJ, Simpson JA, Thomas G. Ideals, perceptions, and evaluations in early relationship development. *J Pers Soc Psychol*. 2000;79(6):933–40. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.79.6.933>
14. Dolatshahi M, Ghazi P, Feizi V, Hemami MR. Life quality assessment among patients with vitiligo: comparison of married and single patients in Iran. *Indian J Dermatol Venereol Leprol*. 2008;74(6):700. <https://doi.org/10.4103/0378-6323.45141>
15. Nilforooshan P, Ahmadi A, Fatehizadeh M, Reza Abedi M, Ghasemi V. The simultaneous effects of general factor of personality and attachment dimensions on marital quality. *Family Counseling and Psychotherapy*. 2014;4(3):473–507. https://fcp.uok.ac.ir/article_9679.html?lang=en
16. Collins NL, Read SJ. Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1990;58(4):644–63. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.58.4.644>
17. Koohsar AAH, Bonab BG. Relation between quality of attachment and life satisfaction in high school administrators. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2011;30:954–8. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2011.10.185>
18. Dalrymple KL, Clark H, Chelminski I, Zimmerman M. The interaction between mindfulness, emotion regulation, and social anxiety and its association with emotional eating in bariatric surgery candidates. *Mindfulness*. 2018;9(6):1780–93. <https://doi.org/10.1007/s12671-018-0921-4>
19. Skerrett K. “Good enough stories”: helping couples invest in one another's growth. *Fam Process*. 2010;49(4):503–16. <https://doi.org/10.1111/j.1545-5300.2010.01336.x>
20. Vromans LP, Schweitzer RD. Narrative therapy for adults with major depressive disorder: improved symptom and interpersonal outcomes. *Psychother Res*. 2011;21(1):4–15. <https://doi.org/10.1080/10503301003591792>
21. Genç E, Baptist J. Managing conflict with parents-in-law in a secular society steeped in Islamic traditions: perspectives of married Turkish couples. *Journal of Family Psychotherapy*. 2019;30(1):20–39. <https://doi.org/10.1080/08975353.2018.1516986>
22. Hee CWH, Sandberg JG, Yorgason JB, Miller RB. Can attachment behaviors moderate the influence of conflict styles on relationship quality? *Journal of Couple & Relationship Therapy*. 2019 Oct 2;18(4):281–302. <https://doi.org/10.1080/15332691.2019.1590273>
23. Delatorre MZ, Wagner A. How do couples disagree? An analysis of conflict resolution profiles and the quality of romantic relationships. *Revista Colombiana de Psicología*. 2019;28:91–108. <https://doi.org/10.15446/rcp.v28n2.72265>